



انديشكده فرهنگ و توسعه

معرفي مقاله

European
Journal
of
**Cultural
Studies**
Volume 27 Number 4 August 2024

5

ISSN 1362-5594

يك فضاى ۹۰ دقيقه‌اى در هفته كه واقعاً مال خودشان بود

هواداران فوتبال انگليس و سوپرليگ اروپا

نويسنده: اوكلې كيت | فصلنامه مطالعات فرهنگي اروپايي | ۲۰۲۵



چکیده:

«این عبارت که «توسط فقرا خلق شد، توسط ثروتمندان دزدیده شد» می‌تواند درباره بسیاری از جنبه‌های سرمایه‌داری به کار رود، اما در تابستان ۲۰۲۰، این عبارت به‌طور گسترده روی بنرهایی دیده می‌شد که هواداران فوتبال بریتانیا در اعتراض به ایجاد «سوپر لیگ اروپا» در دست گرفته بودند. ماهیت این قیام عمومی (که حداقل به‌طور موقت موفق بود) جایگاه سیاسی واقعی خود را دریافت نکرده است. شاید به این دلیل که این موضوع که آیا تیم‌های نخبه فوتبال در لیگی با سازمان‌دهی ملی و به‌شدت کالایی‌شده‌ی جهانی بازی کنند، یا در لیگی با سازمان‌دهی بین‌المللی، تفاوت چندانی به نظر نمی‌رسد. اما می‌خواهم استدلال کنم که این لحظه می‌تواند راهی آموزنده برای اندیشیدن درباره‌ی این باشد که از نظر فرهنگی چه چیزی بنیادین (foundational) به‌شمار می‌آید. آنچه در این میان در خطر بود، صرفاً حسی از هویت محلی نبود، و صرفاً حسی از هویت طبقاتی هم نبود - گرچه آن هویت طبقاتی نیز بی‌گمان حضور داشت - بلکه غروری بود که مردم به شکل‌گیری تاریخی این کلوب‌ها داشتند، کلوب‌هایی که به‌ویژه توسط مردم طبقه‌ی کارگر در مکان‌های خاص خود ساخته شده بودند. اینکه این کلوب‌ها در مالکیت بین‌المللی باشند یا به رسمیت بین‌المللی شناخته شوند، یک چیز است؛ اما اینکه به‌کلی از مکان خود جدا شوند، چیز دیگری است. نسخه‌ای دموکراتیک‌شده از هنر و فرهنگ باید به آنچه مردم برایش ارزش قائل‌اند و برای آن حاضرند بجنگند توجه کند، خواه این موضوع کتابخانه‌های محلی باشد یا کلوب‌های فوتبال محلی. این نسخه باید فرهنگ را بدون تنگ‌نظری (parochialism) دوباره محلی‌سازی کند. و باید هم برای امر شگفت‌انگیز (spectacular) و هم برای امر روزمره جا باز کند. سوپر لیگ اروپا ممکن است نقطه‌ی شروع نامحتملی به نظر برسد، اما کارزار مخالفت با آن، موضوعاتی غنی برای دقیقاً همین بازاندیشی فراهم می‌کند.»

کلمات کلیدی: طبقه، کالایی‌سازی، فوتبال، کلوب‌های فوتبال، جهانی

خلاصه مبسوط مقاله:

این مقاله از یک رویداد بحرانی در فوتبال اروپا آغاز می‌شود: اعلام تشکیل سوپر لیگ اروپا (ESL) در آوریل ۲۰۲۱ که قرار بود ۱۲ باشگاه برتر اروپا، از جمله شش باشگاه انگلیسی، را در لیگی نیمه‌بسته و خارج از چارچوب صعود و سقوط گرد هم آورد. این طرح در عرض ۷۲ ساعت با موجی از اعتراضات هواداران، بازیکنان سابق و حتی کارشناسان رسانه‌ای شکست خورد. نویسنده استدلال می‌کند که این قیام موفق و موقت، اهمیت سیاسی واقعی خود را دریافت نکرده است، شاید چون به نظر می‌رسد تفاوت چندانی نمی‌کند که باشگاه‌های نخبه در لیگی ملی و کالایی‌شده بازی کنند یا در لیگی بین‌المللی. اما او کلی معتقد است این لحظه فرصتی است برای بازاندیشی درباره‌ی مفهوم «اقتصاد بنیادین» (foundational economy) و «تجمل اشتراکی» (communal luxury). شعار معروف هواداران، «توسط فقرا خلق شد، توسط ثروتمندان دزدیده شد»، نشان می‌دهد که آنچه در خطر بود فقط هویت محلی یا طبقاتی نبود، بلکه غروری بود که مردم نسبت به ساخته‌شدن تاریخی این باشگاه‌ها توسط طبقه‌ی کارگر در مکان‌های مشخص احساس می‌کردند. مالکیت یا شناخت بین‌المللی یک چیز است، اما کنده‌شدن کامل از مکان، چیز دیگری است.

نویسنده برای تحلیل این رویداد از دو مفهوم کلیدی استفاده می‌کند: «اقتصاد بنیادین» که به زیرساخت‌های روزمره و محلی اشاره دارد که زندگی اجتماعی را ممکن می‌سازند (مانند کتابخانه‌های محلی یا باشگاه‌های فوتبال محلی)، و «تجمل اشتراکی» که به تجربه‌های زیبایی‌شناختی و شکوهمند جمعی اشاره دارد که از طریق مشارکت در فرهنگ عامه به‌دست می‌آیند. او کلی با استناد به فیلسوف سایمون کریچلی استدلال می‌کند که فوتبال در عین حال هم بدترین چهره‌ی سرمایه‌داری (نمایش ثروت و قدرت مالی) و هم زیبایی، ظرافت، درام و شکوه را در خود دارد. این مقاله همچنین بر اساس مفهوم «اقتصاد سیاسی فرهنگی روزمره» (everyday cultural political economy) وبر (Webber) بنا شده که نشان می‌دهد فوتبال نخبه‌گرا به‌شدت به تولید اجتماعی شبکه‌ای و اهمیت فرهنگی روزمره‌ای که میلیون‌ها فرد و جامعه به آن می‌دهند وابسته است. نویسنده همچنین به آرگومان مارک بنکس (Mark Banks) درباره‌ی آینده‌ی فرهنگ عامه در دنیای «رشد منفی» (de-growth) اشاره می‌کند: اگر جهانی‌سازی و سرمایه‌داری جهانی از بین بروند، ورزشکاران نخبه مانند مسی چگونه می‌توانند وجود داشته باشند؟ این پرسش، تنش میان لذت‌های فرهنگی نخبه‌گرا و ضرورت‌های زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی را برجسته می‌کند.

این مقاله یک تحلیل کیفی و تفسیری است که بر پایه‌ی مرور رسانه‌ای، تحلیل گفتمان عمومی، و بازخوانی ادبیات موجود درباره‌ی ESL بنا شده است. نویسنده به‌طور خاص به پوشش زنده‌ی تلویزیونی (مانند برنامه‌های Sky Sports)، اظهارات بازیکنان سابق مانند گری نویل و جیمی کاراگر، و تحلیل توییت‌های هواداران (با استناد به پژوهش میر و همکاران، ۲۰۲۴) می‌پردازد. همچنین از داده‌های آماری درباره‌ی میزان حضور تماشاگران در استادیوم‌ها، درآمد لیگ برتر انگلیس، و مقایسه‌ی آن با سایر لیگ‌های اروپایی (اسپانیا، آلمان) استفاده می‌شود. روش کار بیشتر تاریخی-تفسیری است تا تجربی-کمی؛ یعنی نویسنده داده‌های موجود را در چارچوب نظری اقتصاد بنیادین و تجمل اشتراکی قرار می‌دهد و به نمونه‌های تاریخی فعالیت هواداران (مانند مبارزه علیه تصاحب مرداک در منچستر یونایتد، یا کمپین چارلتون اتلتیک برای بازگشت به زمین اصلی) ارجاع می‌دهد تا الگوی گسترده‌تری از فعالیت‌گرایی هواداران را نشان دهد.

بخش مهمی از تحلیل به این می‌پردازد که چرا اعتراضات بیشتر در انگلستان متمرکز شد، نه اسکاتلند، ولز یا ایرلند شمالی. علت این بود که شش از دوازده باشگاه پایه‌گذار انگلیسی بودند و لیگ برتر انگلیس ثروتمندترین لیگ اروپا با درآمد ۵.۵ میلیارد پوند است، که بخش زیادی از آن از فروش بلیت می‌آید - برخلاف بسیاری از لیگ‌های دیگر که بیشتر به حقوق پخش تلویزیونی متکی هستند. نویسنده نشان می‌دهد که برخلاف ایالات متحده، باشگاه‌های فوتبال بریتانیا تقریباً هرگز از منطقه‌ای که با آن شناخته می‌شوند جدا نمی‌شوند؛ حتی وقتی استادیوم‌های جدید ساخته می‌شود (مثل تاتنهام یا منچستر سیتی)، این کار در همان محل قبلی یا نزدیک آن انجام می‌شود. استادیوم‌ها همچنین به فضاهای اجتماعی تبدیل شده‌اند: محل برگزاری مراسم یادبود (مانند فاجعه‌ی هیلزبرو در آنفیلد)، پخش خاکستر هواداران، و حتی یادبود افرادی که ربطی به فوتبال ندارند (مثل کن بیگلی یا جان پیل). این پیوند مکانی، همراه با حضور گسترده‌ی فوتبال در ادبیات، تئاتر، سینما و رسانه‌های تخصصی (مانند مجله‌ی *When Saturday Comes*)، نشان می‌دهد که فوتبال نخبه‌گرا، هرچند جهانی شده، ریشه‌های عمیقاً محلی و طبقاتی دارد که ESL آن‌ها را نادیده گرفت.

بخش دوم تحلیل به ماهیت سیاسی این اعتراضات می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد چگونه گفتمان رسانه‌ای فوتبال - که معمولاً از انتقاد از مالکیت باشگاه‌ها پرهیز می‌کند - به‌طور غیرمعمول سیاسی شد. گری نویل با لحنی طبقاتی از مالکان باشگاه‌ها به‌عنوان کسانی که «هیچ ربطی به فوتبال ندارند» انتقاد کرد و منچستریونایتد را محصول «کارگران این اطراف» توصیف کرد. تحلیل توییت‌ها نشان می‌دهد که هواداران به‌طور خودجوش ESL را با خصوصی‌سازی آب، راه‌آهن، پست سلطنتی و سیاست‌های ریاضتی حزب محافظه‌کار مرتبط کردند - یعنی اعتراض به ESL در ذهن بسیاری از هواداران بخشی از مخالفت گسترده‌تر با نئولیبرالیسم بود. نویسنده همچنین این لحظه را در سنت طولانی‌تری از فعالیت‌گرایی هواداران قرار می‌دهد: از مبارزه علیه طرح اوراق قرضه‌ی آرسنال و وست‌هام در دهه‌ی ۱۹۹۰، تا مبارزه‌ی هواداران منچستریونایتد علیه تصاحب مرداک، تا کمپین‌های عدالت‌خواهی هیلزبرو و فعالیت‌های اخیرتر مانند «هواداران در پشتیبانی از بانک‌های غذایی». این فعالیت‌ها گاهی با حمایت بازیکنان نخبه (مانند مارکوس راشفورد) همراه شده‌اند که زمینه‌ی طبقاتی مشترک با هواداران را برجسته می‌کند. در عین حال، نویسنده هشدار می‌دهد که این پتانسیل جمعی همچنان در کنار قبیله‌گرایی، خشونت و ناسیونالیسم (مانند تأکید نویل بر «این کشور») وجود دارد.

اوکلی در نتیجه‌گیری استدلال می‌کند که اعتراضات علیه ESL، با وجود ظاهر نامحتمل خود، نمونه‌ی ارزشمندی است برای فهم اینکه چه چیزی برای مردم واقعاً اهمیت دارد و حاضرند برای آن بجنگند. او هشدار می‌دهد که نباید لذت‌های فرهنگ عامه مانند فوتبال را به‌سادگی محصول جانبی سرمایه‌داری مصرفی دانست که باید با لذت‌های «معنوی‌تر» جایگزین شود؛ این کار اهمیت واقعی این دلبستگی‌ها را دست‌کم می‌گیرد. در عین حال، نویسنده نسبت به آینده‌ی فوتبال جهانی شده در دنیایی با محدودیت‌های زیست‌محیطی محتاط است: ممکن است در آینده مجبور به پذیرش از دست رفتن برخی از این لذت‌های زیبایی‌شناختی جهانی شده باشیم، اما این فقدان باید با آگاهی کامل از عمق و اهمیت آن صورت گیرد. به نقل از جرمی گیلبرت، نئولیبرالیسم به‌طور سیستماتیک همبستگی اجتماعی را تضعیف می‌کند؛ فوتبال حرفه‌ای، با وجود ماهیت رقابتی، قبیله‌ای و کالایی‌شده‌اش، همچنان ریشه‌دار، مکان‌محور و عمیقاً تعبیه‌شده در فرهنگ روزمره است، و اعتراضات آوریل ۲۰۲۱ ما را به همین واقعیت یادآوری کرد.

نکات سیاستی:



- ضرورت بازتعریف «اقتصاد بنیادین»: سیاست‌گذاری فرهنگی باید فضایی برای آنچه مردم برایش می‌جنگند (نه فقط نیازهای اولیه) باز کند - از کتابخانه‌ها تا باشگاه‌های فوتبال محلی.
- لزوم تنظیم‌گری مالکیت باشگاه‌ها: لایحه‌ی حاکمیت فوتبال بریتانیا (Football Governance Bill) که در پاسخ به اعتراضات ESL مطرح شده، باید ضمانت دهد باشگاه‌ها ملزم به «تعامل» با هواداران درباره‌ی میراث باشگاه (رنگ‌ها، آرم، استادیوم خانگی) باشند.
- نمایندگی هواداران در سطح هیئت‌مدیره: برخلاف مدل آلمان، لایحه‌ی فعلی بریتانیا الزامی برای حضور نمایندگان هواداران در هیئت‌مدیره ندارد؛ این شکاف نیازمند توجه سیاستی است.
- کنترل جریان مالی در «هرم» فوتبال: باید جریان منابع مالی از سطح نخبه به لیگ‌های پایین‌تر (که در دوران کووید با خطر ورشکستگی مواجه بودند) تضمین شود.
- محدودسازی به‌جای افزایش بی‌رویه‌ی رویدادهای ورزشی نخبه: با توجه به هزینه‌های زیست‌محیطی جهانی‌سازی ورزش، باید گزینه‌ی محدودسازی تعداد رویدادها (نه افزایش مستمر آن) در نظر گرفته شود، حتی اگر این کار با مدل تجاری فعلی ورزش در تضاد باشد.
- به‌رسمیت‌شناسی ارزش فرهنگی غیرمادی فوتبال در سیاست‌گذاری فرهنگی: سیاست‌های فرهنگی نباید فوتبال نخبه را صرفاً به‌عنوان صنعت سرگرمی کالایی‌شده ببینند، بلکه باید نقش آن را در ساخت هویت محلی، طبقاتی و حافظه‌ی جمعی به رسمیت بشناسند.



اندیشکده فرهنگ و توسعه

باشگاه مقالات فرتو